

نقش کاربری اراضی شهری در تشکیل الگوهای بزهکاری در محلات اسکان

غیررسمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۵

محمد اکبرپور^۱، مرتضی رضانی^۲

از صفحه ۱۰۹ الی ۱۳۴

چکیده

زمینه و هدف: جانمایی منطقی و نظامند کاربری‌های اراضی شهری نقش بسیار مهمی در کاهش نابسامانی‌های شهری به ویژه انواع جرایم دارند. هدف این پژوهش تحلیل نقش کاربری اراضی در شکل‌گیری الگوهای بزهکاری محله اسلام آباد منطقه دو شهرداری تهران می‌باشد.

روش‌شناسی: روش این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. بر همین اساس، جامعه آماری پژوهش حاضر مجموع جرایم ارتكابی طی دوره یکساله در محله اسکان غیررسمی اسلام آباد منطقه ۲ شهرداری تهران می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیشترین جرایم ارتكابی محله اسلام آباد در محدوده کاربری‌های مسکونی رخ داده است. ۲۰۷ مورد برابر با ۶۲ درصد جرایم محله اسلام آباد در فضاهای مسکونی این منطقه رخ داده است. در صورتی که میزان جرایم ارتكابی محله که در محدوده کاربری‌های مسکونی به ثبت رسیده است، ۱۸۳۸ مورد برابر با ۴۸/۷۵ درصد کل جرایم است. از سوی دیگر ۶۷ مورد جرم برابر با ۲۰/۲۵ درصد جرایم محله اسلام آباد نیز در کاربری مسکونی مختلط اتفاق افتاده است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد بیشترین درصد مساحت محله اسلام آباد به کاربری باغ و زمین‌های بایر و مسکونی اختصاص دارد، به گونه‌ای که میزان کاربری‌های مسکونی و مسکونی مختلط در محله اسلام آباد در مقایسه با کل منطقه دو حدود سه برابر بیشتر است که خود نشان از نوعی عدم تعادل و توازن در تخصیص کاربری مسکونی در این محدوده دارد. همین امر باعث شده بیشترین جرایم ارتكابی محله اسلام آباد در محدوده کاربری‌های زمین‌های بایر و مسکونی رخ دهد.

واژه‌های کلیدی

کاربری اراضی، الگوهای بزهکاری، محله اسلام آباد، جرم.

۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، (نویسنده مسئول)

Email: m.akbarpour@razi.ac.ir.

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

کمبود مسکن مناسب برای خانوارهای شهری کم درآمد در کشورهای در حال توسعه توأم با مهاجرت بسیار زیاد روستاییان به شهرها منجر به شکل‌گیری و افزایش سکونتگاه‌های غیررسمی شده است. این هسته‌های غیرمتعارف اغلب به دنبال مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه عدم توانایی شهر در جذب و پذیرش آن‌ها در بخش‌های رسمی، با حداقل امکانات زندگی ایجاد شدند و متعاقب آن این مناطق زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌ها و عدم هماهنگی‌هایی در سازوکارهای شهری از یک سو و ناپیوستگی کالبدی شهر از سوی دیگر شدند، این‌گونه سکونتگاه‌ها که سیمای نازیبا، خدمات پایین و ساکنینی کم توان و مشاغلی نامطمئن دارند محیطی آماده برای پذیرش نابهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌سازند. مکتب جغرافیای جرم نتیجه اندیشه‌های کتله بلژیکی و گری فرانسوی است. کتله در کتاب مشهورش به نام فیزیک اجتماعی آمار مربوط به بزهکاری در فرانسه را بین سال‌های ۱۸۲۵ و ۱۸۳۶ مورد مطالعه قرار داد. او به کمک اعداد و ارقام همبستگی و ارتباط محیط جغرافیایی و جرم را نشان داد. به اعتقاد وی جرایم ارتكابی در یک جامعه و نوسانات متناوب آن مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان است. پژوهشات کتله مورد توجه بسیاری از اندیشمندان کشورهای مختلف جهان از جمله ایتالیا، فرانسه و آلمان قرار گرفت و همین امر موجب بروز جنب و جوش‌های علمی جدید و از جمله ایجاد رشته جدیدی در زمینه آمار جنایی به نام کتلیسیم شد. تأثیر و اهمیت مطالعات و بررسی‌های کتله در زمینه جغرافیای جرم به حدی بود که در برخی منابع کتله را پدر آمار جنایی و از جمله پایه‌گذاران مکتب جغرافیای جنایت معرفی نموده‌اند و گفته می‌شود پژوهشات او باعث شده است تا جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۰). جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مطالعه

رابطه بین ساخت فیزیکی شهر با نظام اخلاقی پرداختند و رابطه نرخ‌های جرم و بزهکاری نظیر خودکشی، طلاق، فحشاء و... را با فضای طبیعی درون شهر مطالعه نمودند. هدف آن‌ها درک تأثیر عوامل اجتماعی و بوم‌شناسی بر بی‌سازمانی اجتماعی و رفتار انحرافی بود. پژوهشات شیکاگو اسکان شبانه‌روزی آن دسته از جوانان و نوجوانانی که از مناطق مختلف شهر به دادگاه ویژه این افراد ارجاع شده بودند، را برنامه‌ریزی کرد. این مطالعات نشان داد که توزیع بزهکاران در اطراف و اکناف شهر با یک الگوی نظام‌دار تناسب دارد. نرخ‌های بزهکاری در بین افراد طبقه پایین در محلات قدیمی شهر در بالاترین حد امکان بود و در مناطق مرفه‌تر کاهش می‌یابد. همچنین، الگوی کاهش نرخ‌های بزهکاری، به موازات افزایش فاصله از اهالی ساکن در محلات قدیمی شهر، در ارتباط با گروه‌های نژادی یا قومی ملاحظه گردید (آکرز، ۲۰۰۴).

بیان مسأله

گسترش بی‌رویه شهرها طی سال‌های اخیر و عدم تعادل در نظام شهری موجب تقسیم‌بندی جدیدی در شهرها شد و آن‌ها را به دو بخش متن و حاشیه تقسیم کرد، گروهی در مرکز و متن شهر و تحت پوشش امکانات و خدمات قرار گرفتند و گروهی دیگر در حاشیه ماندند و از هر نوع امکان و برخورداری محروم شدند. کشورهای که در گذشته، اکثر جمعیت‌شان در روستاها ساکن بودند و براساس اقتصاد کشاورزی زندگی می‌کردند به یکباره تغییر چهره دادند، شهرها مرکز ثقل جمعیت شدند و سیل مهاجران روستایی به شهرها سرازیر شد، توزیع جمعیت به نفع شهرها تغییر یافت و شهرنشینی افراطی با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، ظهور پیدا کرد (کلانتري و

همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲). رشد شتابان جمعیت شهرها منجر به بروز و وقوع انواع ناهنجاریهای اجتماعی (افزایش جرم و جنایت) شده است و از آنجائیکه مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می کنند مکان هایی را جهت اعمال مجرمانه خود بر می گزینند که ارتکاب جرم با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان پذیر باشند از این رو ساختار کالبدی شهرها در بروز جرایم تأثیر بسزایی دارد و تغییر در مشخصه های مکانی منجر به شکل گیری الگوهای زمانی و مکانی خاص بزهکاری می شود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۲). از دیرباز شناسایی عوامل محیطی و مکانی بروز جرم وسیعی در از بین بردن این عوامل و یا کاهش تأثیرات آن مهم ترین راهکار افزایش ایمنی و پیشگیری و از وقوع ناهنجاری ها شناخته شده است، چرا که ناهنجاری های اجتماعی به هر نحو که از انسان سر بزند دارای بستر و ظرف مکانی و خصوصیات زمانی است که این رفتارها را از یکدیگر متمایز می سازد. بررسی ها نشان می دهد که برخی از فضاهای شهری به دلیل ویژگی های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، میزان یا نرخ بزهکاری بیشتری دارند؛ و به عکس، برخی از فضاها مانع و بازدارنده ارتکاب جرایم در درون خود هستند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۹). از طرفی نیز به پژوهش ثابت شده است که مجرمان در ارتکاب جرم اغلب دست به انتخاب های منطقی می زنند و به دنبال ساده ترین، کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی و زمانی برای ارتکاب جرم هستند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۹)، به همین علت در محدوده شهرها مناسب ترین محل را برای انجام عمل مجرمانه خود بر می گزینند. بدین ترتیب، در سطح شهرها حوزه هایی شکل می گیرند که دارای فرصت ها و اهداف مجرمانه بیشتر و به تبع آن تعداد جرایم بالاتری هستند و اصطلاحاً به آن ها «کانون های جرم خیز» اطلاق می شود. نکته در خور اهمیت در این خصوص، شناسایی این کانون ها و تحلیل مشکلات کالبدی، کاربری اراضی، خصوصیات فرهنگی و اجتماعی ساکنان و کاربران

یا استفاده کنندگان از این محدوده‌هاست، تا بدین طریق به اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر لازم برای کنترل بزهکاران پرداخت (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲). در بین شهرهای کشور، شهر تهران به عنوان پایتخت کشور و بزرگ‌ترین کلانشهر ایران به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی و شرایط خاص کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن، با نرخ بالای بزهکاری‌های اجتماعی مواجه بوده و بالاترین سهم نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را هم داراست. این مسائل موجب شده سهم قابل توجهی از بودجه نیروی انتظامی صرف حفظ ثبات و امنیت در این زمینه شود (نصیری واعظمی؛ ۱۳۸۵: ۴۳). منطقه ۲ شهرداری تهران به‌عنوان یکی از بزرگترین مناطق شهرداری تهران دارای مسایل و مشکلاتی چون مهاجری از مناطق روستایی، رشد سریع جمعیت، گسترش فیزیکی شهر، ناهمگونی و عدم انسجام اجتماعی، نواحی با بافت فرسوده نظیر روستاهای در که، اوین، طرشت، فرحزاد و مناطق حاشیه‌نشین اسلام آباد، اسلام آباد جنوبی و جاویدآباد شرقی می‌باشد. همچنین با توجه به جمعیت نزدیک ۱۷۰۰ نفری که در این محله زندگی می‌کنند و با توجه به این که محله اسلام آباد یک محله کاملاً مسکونی است. کاربری‌های وضع موجود به طور کلی شامل کاربری مسکونی، خرده فروشی، خدمات محله‌ای، فضای سبز و تعمیرگاه ماشین است. محله اسلام آباد یک محله کاملاً مسکونی است. کاربری‌های وضع موجود به طور کلی شامل کاربری مسکونی، خرده فروشی، خدمات محله‌ای، فضای سبز و تعمیرگاه ماشین است. به نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در بالا بودن نرخ جرایم در محدوده اسلام آباد نبود مراکز انتظامی در این محدوده از شهر است. همان گونه که پیداست هیچ مرکز انتظامی در محله اسلام آباد وجود ندارد و درصد این کاربری در منطقه صفر است. نبود مراکز انتظامی در این محدوده موجب شده است تا حضور نیروی انتظامی در این محدوده از شهر کم‌رنگ باشد و امکان کنترل مناسب انتظامی در

این محدوده به حداقل برسد و به تبع آن با کاهش کنترل انتظامی، فرصت‌های بزهکاری را برای مجرمین افزایش یابد، به گونه‌ای که آن‌ها بهتر و آسان‌تر بتوانند اعمال مجرمانه خود را انجام داده و به راحتی خود را مخفی نمایند. سوال اصلی این پژوهش این است که آیا نوع کاربری اراضی در منطقه اسکان غیررسمی اسلام آباد در توزیع جغرافیایی نوع و میزان جرایم و شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در این محدوده از شهر تأثیر داشته است؟

مبانی نظری پژوهش

منظور از برنامه‌ریزی کاربری اراضی مشخص کردن نوع مصرف زمین در شهر، هدایت و ساماندهی فضای شهر و تعیین ساخت‌ها و چگونگی انطباق آن‌ها با یکدیگر و با سیستم‌های شهری است (زیاری، ۱۳۸۷: ۱۲۵). چگونگی برنامه‌ریزی کاربری، نه فقط نقش اساسی در کیفیت و کارایی برنامه جامع شهری خواهد داشت بلکه می‌تواند نقش مهمی در تغییر شرایط فیزیکی و مکانی شهرها جهت کاهش جرایم ایفا نماید. از لحاظ پایداری محیط زیست شهری، نحوه قرارگیری کاربری‌ها در فضای شهری بسیار مهم می‌باشد. زیرا قرارگیری مناسب کاربری‌های هماهنگ با یکدیگر در یک فضا و جداسازی کاربری‌های معارض یکدیگر، از بروز بسیاری از مسائل زیست محیطی جلوگیری می‌کند. شناخت ویژگی‌های زیست محیطی هر کاربری بسیار مهم است یعنی باید مشخص شود کدام کاربری‌ها به چه نحوی و با چه دامنه‌ای، محیط اطراف خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در توزیع زیست محیطی کاربری‌ها باید به سه نکته اساسی توجه کرد: ۱. تعیین مناسب‌ترین محل استقرار برای هر کدام از کاربری‌های دخیل در برنامه‌ریزی (کاربری‌های بخشی)؛ ۲. چگونگی نظم فضایی و روابط متقابل کاربری‌های نسبت به یکدیگر؛ ۳. آثار زیست محیطی ناشی از استقرار کاربری‌ها بر محیط؛ هرگاه محل قرارگیری نوعی کاربری مکانی باشد که از آن کمترین فشار ممکن بر محیط،

خود کاربری، و سایر کاربری‌ها وارد آید. می‌توان بر پایه این نظریه ادعا نمود که کاربری در مناسب‌ترین مکان از لحاظ زیست محیطی قرار گرفته است. دخالت معیارهای زیست محیطی در جانمایی‌های کاربری‌های شهری می‌تواند تحولات عمده-ای در سیمای و کیفیت محیط‌های شهری در پی داشته باشد (امامی، ۱۳۸۲: ۴۸). جانمایی اصولی، منطقی و نظاممند کاربری‌های اراضی شهری نقش بسیار مهمی در کاهش نابسامانی‌های شهری به ویژه انواع جرایم دارند. برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با شناخت ویژگی‌ها و تسهیلات مکانی جرم در شهرها و با اعمال تغییرات در این محیط و همچنین با برنامه‌ریزی و طراحی محیطی به منظور حذف تسهیلات محیطی جرم‌نرخ جرایم را در سطح شهرها به حداقل برسانند. از دیدگاه نظری، نگاه علمی به موضوع جرم در محیط شهری در مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو ریشه دارد. دانشمندان مکتب جامعه‌شناسی شهری شیکاگو، با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مناطق مختلف شهر، جرایم را در محیط‌های شهری بررسی کردند. آن‌ها بر این باور بودند که رفتار ساکنان شهری در قالب محیط‌های شهری قابل مطالعه است و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی در جرم‌زایی منطقه تأثیر دارد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱). از نظر این مکتب، شهر در آن واحد هم یک نظام پیچیده متشکل از افراد و نهادهای وابسته به هم است و هم یک نظم اجتماعی است که علاوه بر پیدایش خرده فرهنگ‌ها و بیگانه‌گرایی، زمینه افزایش جرایم را فراهم می‌آورد. در این دیدگاه شهر همچون پهنه‌های جغرافیایی در نظر گرفته می‌شود که در آن همانند پدیده‌های گیاهی و حیوانی، تقسیم‌بندی‌های متفاوت و فرایندهایی چون مهاجم، همزیستی، جایگزینی، استیلا، رقابت و همگون‌سازی وجود مشکلات آن‌ها و به طور کلی معضلات روزافزون اجتماعی در شهرها است (فکوهی، ۱۳۸۵: ۸۱). محققان دریافته‌اند، وجود برخی از کاربری‌ها در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز تأثیر به

سزایی دارد. مطالعاتی که به تازگی در ارتباط با کاربری زمین و جرم انجام شده، تأثیر مؤلفه‌های مختلف کاربری زمین بر میزان یا نوع جرم را تأیید می‌کند (مک‌کارد و راتکلیف^۱، ۲۰۰۹: ۱۷). در این راستا برنامه‌ریزی کاربری اراضی نقش اساسی و کاربرد زیادی در تغییر و اصلاح شرایط محیطی جهت حذف فرصت‌های بزهکاری دارد (قصری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۷). اصطلاح مکان‌های جرم‌خیز یا کانون‌های جرم‌خیز بیانگر مکانی با میزان بالای جرم است. محدوده این مکان بخشی از شهر، یک محله کوچک یا چند خیابان مجاور یکدیگر است و حتی ممکن است یک خانه یا مجتمع مسکونی باشد. تعریفی دیگر، این اصطلاح را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیشینی، حداقل در یک دوره زمانی یک ساله دانسته است (شماعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵۲). ویزبرد و اک چهار مفهوم اساسی زیر را در شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز مؤثر دانسته‌اند:

الف. تسهیلات: امکانات و تسهیلات مناسب بزهکاری همچون مشروب فروشی، قمارخانه و برخی مجتمع‌های آپارتمانی در یک محدوده جغرافیایی باعث ترغیب و تشویق بزهکاران به انجام رفتار مجرمانه در این محدوده‌ها می‌شود. علاوه بر این، نوع و میزان بزهکاری بستگی به نوع افرادی دارد که به این مکان‌ها جذب می‌شوند.

ب. ویژگی‌های مکانی: مشخصاتی چون دسترسی راحت، نبود گشت و نگهبان، عدم مدیریت اصولی و در کنار آن وجود برخی امکانات، مجرمان را به جنایت در برخی مکان‌های خاص ترغیب می‌کند.

ج. اهداف مجرمانه: وجود اموال یا اشیایی که مطلوب بزهکاران است.

1. McCord & Ratcliffe.

د. بزهکار: تعداد بیشتر بزهکاران و داشتن توانایی و انگیزه کافی برای عمل مجرمانه از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز است (آک، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

بنا بر موارد مذکور، مهم‌ترین الگوهای فضایی کانون‌های جرم‌خیز مکانی و زمانی به شرح زیر است:

۱. الگوی پراکنده: در این نوع نقاطی که کانون جرم را به وجود می‌آورند، در سرتاسر محدوده کانون گسترده شده‌اند و به صورت خوشه‌ای یا متمرکز نیستند. همانند خانه‌هایی که در سرتاسر محدوده مورد سرقت واقع شده‌اند که این امر به دلیل ویژگی‌های طراحی نامرغوب و نادرست این مکان‌هاست.

۲. الگوی خوشه‌ای: این نوع وقایع مجرمانه، کانون را به صورت خوشه‌ای در یک یا چند فضای ویژه در داخل محدوده کانون به وجود می‌آورد. برای مثال می‌توان استادیوم‌های ورزشی را ذکر کرد که ممکن است کانون شماری از جرایم مرتبط با وسایل نقلیه باشد.

۳. الگوی نقطه‌ای: این نوع ویژه از کانون جرم‌خیز بر یک مکان خاص بزهکاری انطباق می‌یابد. برای مثال، پارکینگ مراکز خرید در مرکز یک شهر شلوغ می‌تواند از این نوع باشد، در این جا همه رخدادهای بزهکاری در یک مکان ویژه به وجود می‌آید (راتکلیف، ۲۰۰۴: ۱۰).

شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته رشد بسیار سریعی دارد. از این رو شهرهای کشورهای در حال توسعه با مسائلی نظیر افزایش نرخ بیکاری، شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی، مسکن غیررسمی، خشونت، ناهنجاری‌های اجتماعی، بزهکاری و جرم و جنایت روبه رو شده‌اند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲). در این میان محیط شهری زمینه مستعدی برای ارتکاب انواع جرایم به شمار می‌رود. به

همین دلیل امروزه مطالعات جغرافیای شهری به مرزهای جدیدی گام نهاده است، که توجه به کیفیت زندگی، افزایش رفاه اجتماعی، توزیع عادلانه درآمد، ثروت و امکانات، توجه به تأثیر فضا و ساخت وسازهای شهری در رفتارهای فردی و اجتماعی افراد، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت و ناهنجاری های اجتماعی در شهرها و همچنین طراحی محیط شهری برای پیشگیری از جرم و کاهش سطح جرایم شهری از این جمله است (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰).

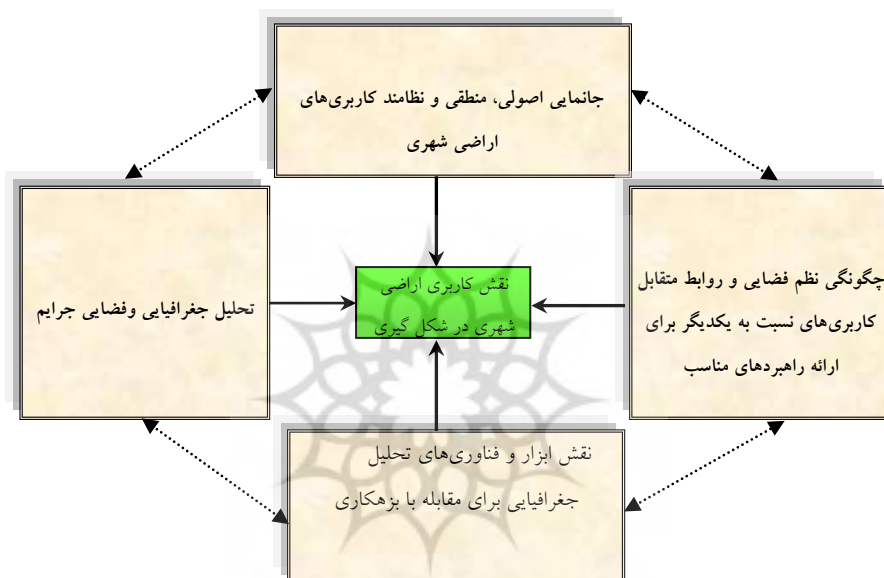
پیشینه پژوهش

مطالعاتی که به تازگی در ارتباط با کاربری زمین و جرم انجام شده، تأثیر مؤلفه های مختلف کاربری زمین بر میزان یا نوع جرایم را تأیید می کنند، از جمله نتایج پژوهش های اخیر در فیلادلفیای آمریکا نشان داد که جرایم به گروه های معین از کاربری زمین گرایش دارند برای مثال گروه ضرب و جرح بیشتر در اطراف میله های زندان و دزدی و تخریب در پیرامون دبیرستان ها و مراکز خرید محله ها دیده می شود. جرم شناسان محیطی، زمینه جرم زایی این مکان ها را به عنوان نتیجه فرصت ها و فعالیت های افزایش یافته جرم که تعداد زیادی از مجرمان را جذب می کند تفسیر می کنند (مک کارد، ۲۰۰۹: ۱۷). در پژوهش دیگر، در ارتباط با کاربری زمین، شبکه خیابان و الگوهای جرم در آمریکا، مشخص شده که جرایم به طور تصادفی در فضا رخ نمی دهد. مکان های معین در محیط، ویژگی هایی از خود نشان می دهند که آن ها را برای مجرمان، بطور بالقوه جذاب تر می کند. در یک ناحیه ممکن است انواع معینی از کاربری زمین وجود داشته باشد که به میزان بالاتری به جرم و بی نظمی دامن می زنند، این کاربری ها، حجم زیادی از جمعیت را جذب می کنند که ممکن است آن ها نیز در به وجود آمدن جرم در شهر مؤثر باشند. علاوه بر این، پژوهش های اخیر نشان داد که

شبکه‌های خیابانی محله‌ها نیز عامل بسیار مهمی در شکل دادن به الگوهای جرم هستند. نتیجه این پژوهش نیز بر این اشاره دارد که به راستی شبکه خیابان و کاربری زمین، هر دو مسایل مربوط به جرایم محله مشارکت دارند (اکرس و چاریستن، ۲۰۰۴). در پژوهشی که آقای شمعی و همکاران در سال ۱۳۹۳ در ارتباط با بررسی و تحلیل فضایی جرم مواد مخدر در کلان شهر تهران مورد مطالعه منطقه ۲ شهرداری تهران به این نتیجه رسیدند که بین میزان تراکم جمعیت ساکن در نواحی مختلف منطقه مورد مطالعه و تعداد جرایم ارتكابی مواد مخدر ارتباط مستقیمی وجود دارد. همچنین بین متغیر نوع کاربری و متغیر وابسته نیز رابطه آماری معناداری وجود دارد. در پژوهش دیگری که آقای حسینی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان بررسی تأثیر کاربری اراضی شهری در وقوع جرایم مواد مخدر منطقه ۲ شهرداری تهران به این نتیجه رسیدند که نوع و نحوه استفاده از اراضی شهری می‌تواند در ایجاد زمینه‌ها و شرایط ارتكاب بزه مؤثر باشد و از طرفی برخی خصیصه‌های مکانی دیگر مانع و عامل بازدارنده بزهکاری باشد. جغرافیای جرایم شهری به تحلیل فضایی نواحی و محلات شهری با رفتارهای اجتماعی، به ویژه ناهنجاری‌های رفتاری شهروندان می‌پردازد. تحلیل جغرافیایی و فضایی جرایم در حوزه‌های شهری از گرایش‌های نوین در برنامه‌ریزی شهری است که در صدد است تا با شناسایی مسائل و با تکیه بر ابزار و فناوری‌های نوین و جدید شهرسازی برای مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی و پیشگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه، محیط‌های شهری را امن و سالم سازد (شمعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵۱). این موضوع که طی چند دهه اخیر در مطالعات جغرافیای شهری و جامعه‌شناسی شهری مورد توجه محققان قرار گرفته است، چارچوب مفهومی برای تحلیل فضایی و مکانی جرم و رابطه ناهنجاری‌ها با فضا و زمان را در محدوده شهرها تفسیر می‌کند.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، درنهایت به منظور انجام تحلیل گرافیکی داده‌های بزهکاری مدل مفهومی پژوهش به صورتی نمادین در شکل شماره (۱) نشان داده می‌شود.



شکل شماره (۱) مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مدل مفهومی پژوهش، تحلیل جغرافیایی جرایم در محله اسلام آباد از گرایش‌های نوینی است که می‌کوشد تا این جنبه از مسائل شهری بشر امروز را مورد مطالعه قرار دهد و با تکیه بر ابزار و فناوری‌های تحلیل جغرافیایی جهت مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی و پیشگیری از جرم راهبردها و راهکاری مناسب را با توجه به شرایط منطقه ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

۱۲۱

رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر توسعه‌ای - کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش ابتدا به شناسایی کانون‌های جرم‌خیز محله اسلام آباد پرداخته شده است، سپس بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری (با توجه به عنوان پژوهش و نوع کاربری مورد نیاز نگارنده‌گان با توجه به یافته‌های نظری و مشاهدات میدانی اقدام به جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه گردید) در شکل‌گیری الگوهای بزهکاری در محله انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر مجموعه جرایم ارتكابی است که در دوره زمانی یکساله در محدوده محله اسلام آباد به وقوع پیوسته است و به عنوان یک واقعه مجرمانه برای آن پرونده و سابقه تشکیل شده است. همچنین در این بررسی از تمامی وقایع مجرمانه ارتكابی در محله اسلام آباد در طول یکسال مورد بررسی قرار گرفته است.

معرفی منطقه اسکان غیررسمی اسلام آباد

اسلام آباد از لحاظ تقسیمات شهری در منطقه ۲ تهران واقع شده است. منطقه ۲ جزو یکی از مناطق پنج‌گانه کوهپایه‌ای البرز است که به شکل مستطیل کشیده از تراز ارتفاعی ۱۸۰۰ متر در شمال به تراز ۱۲۰۰ متری در جنوب منتهی می‌گردد و در تقسیمات شهری در حاشیه شمال غربی تهران قرار گرفته است و مساحتی بالغ بر ۵۰۰۰ هکتار را شامل می‌شود (مهندسین مشاور سراوند، ۱۳۸۲). در سال ۱۳۹۵ در محدوده مورد مطالعه ۵۰۰ خانوار زندگی می‌کرده اند که این تعداد خانوار جمعیتی در حدود ۱۶۸۹ نفر را در خود جای داده بوده‌اند.

جدول ۱: ویژگی های کالبدی محله اسکان غیررسمی اسلام آباد

مشخصات	ویژگی
۴ نفر	متوسط تعداد افراد در واحد مسکونی
۹۱ متر مربع	متوسط مساحت واحدهای مسکونی
۴۲۲ نفر در هکتار	تراکم ناخالص مسکونی
۵۸۸ نفر در هکتار	تراکم خالص مسکونی
۲۳/۷ متر مربع	سرانه ناخالص مسکونی
۱۶/۹ متر مربع	سرانه خالص مسکونی
قابل نگهداری ۷۴/۸٪ / نوساز ۲۱/۱٪ / مرمتی ۰/۱٪	کیفیت بنا
آجر و آهن ۷۵/۵٪ / فلزی ۱۰/۴٪ / آجر و چوب ۸/۱٪	اسکلت واحد ساختمانی
سیمان سفید ۵۱٪ / سیمان سیاه ۱۴/۴٪ / سنگ ۷/۳٪	نمای واحدهای ساختمانی
کمتر از ۵ سال (۷/۲٪) / بین ۵ تا ۱۰ سال (۷۰/۱٪) / بین ۱۰ تا ۲۰ سال (۸/۷٪) / بین ۲۰ تا ۳۰ سال (۸/۵٪)	قدمت واحدهای ساختمانی
یک طبقه ۷۵/۲٪ / دو طبقه ۲۱/۲٪	تعداد طبقات واحدهای ساختمانی
۴۰-۶۰ ۱۱/۱٪ / ۶۰-۸۰ ۳۷/۴٪ / ۸۰-۱۰۰ ۴۰/۴٪	سطح اشغال واحدهای ساختمانی
۰-۴۰ ۱۱٪ / ۴۰-۸۰ ۳۶/۷٪ / ۸۰-۱۲۰ ۳۴/۸٪	تراکم ساختمانی
۰-۱۰۰ ۶۴/۱٪ / ۱۰۰-۱۵۰ ۲۰/۵٪ / ۱۵۰-۲۰۰ ۹/۶٪	نظام تفکیک قطعات ساختمانی

مأخذ: (یافته های میدانی نگارندگان)

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

طبق یافته‌های پژوهش همان طور که در جدول شماره ۱ هم نشان داده شده است بطور متوسط ۴ نفر در هر خانه مسکونی محله اسلام آباد زندگی می‌کنند که با توجه به اندازه متوسط واحدهای مسکونی که حدود ۹۱ متر می‌باشد زیاد به نظر می‌رسد که خود نشان‌دهنده تراکم جمعیت بالا در محله می‌باشد و طبق بررسی‌های انجام گرفته مهم‌ترین مشکلات و نارسایی‌های محله اسلام آباد به شرح زیر است:

الف. مشکلات کالبدی

این محله به دور از نظارت و رعایت اصول ساخت و ساز استاندارد و بدون زیرسازی استاندارد ساخته شده است. مسکن‌سازی شتاب زده، استفاده از مصالح نامتعارف و ناپایدار، غیرفنی بودن اکثر ساخت‌وسازها، فرسودگی مساکن و کوچک بودن قطعات، تفکیک نامناسب زمین، نارسایی و عدم تناسب شبکه معابر و شبکه‌های ارتباطی، فقدان شبکه زهکشی و دفع آب‌های سطحی، کمبود شدید خدمات، فقدان فضای سبز، تفریحی و ورزشی، کیفیت پایین زندگی و سرشار از بیماری‌ها و آلودگی‌ها از مهم‌ترین مشخصات کالبدی محله است.

ب. مشکلات اجتماعی

در این محله تراکم جمعیت در واحد سطح، بُعد خانوار و رشد طبیعی جمعیت نسبت به سایر محله‌های منطقه بالاتر است. ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، بی‌سوادی، عدم ارتباط ضعیف با سایر محله‌های منطقه، ویژگی‌های خاص فرهنگی و بی‌دفاع بودن در برابر آسیب‌های اجتماعی از مشخصه‌های بارز این محله است.

ج. مشکلات اقتصادی

اغلب ساکنان محله جزء طبقات پایین جامعه‌اند و از درآمد ناچیز برخوردارند. فقدان مهارت‌های لازم باعث بیکاری یا اشتغال آنان در مشاغل کاذب غیرتولیدی، دست

فروشی، دوره گردی و یا به صورت کارگران روزمزد و یا در بخش های غیررسمی شده است که با وجود کار طاقت فرسا حداقل دستمزد را دریافت می کنند.

ب) یافته های استنباطی

محله اسلام آباد یک محله کاملاً مسکونی است. کاربری های وضع موجود به طور کلی شامل کاربری مسکونی، خرده فروشی، خدمات محله ای، فضای سبز و تعمیرگاه ماشین است. فضاهای سبز موجود در محله در قالب باغ های به جا مانده از دوران گذشته در دره اوین- درکه و حاشیه رودخانه درکه می باشد که کاربری مسکونی نیز به تدریج و به صورت کاملاً ارگانیک و غیررسمی در داخل این باغ ها سر بر آورده اند. فضاهای مذهبی به صورت دو مسجد وجود دارند که مراکز اصلی تجمع محله ای نیز به شمار می آیند. کاربری آموزشی محله محدود به یک دبستان بوده که عملکرد محلی داشته و شرایط کالبدی مناسبی ندارد.

جدول ۲: کاربری اراضی و سرانه ها در اسلام آباد شمالی

ردیف	کاربری	تعداد	مساحت (متر مربع)	درصد	سرانه (متر مربع)
۱	باغ	۳	۲۷۰۰۹/۱۸	۱۰/۷۹	۱۳/۸۴
۲	زمین بایر	۳۵	۶۶۳۲۲	۲۶/۴۹	۳۳/۹۹
۳	مسکونی	۲۵۸	۳۸۶۲۹/۳۸	۱۵/۴۳	۱۹/۸
۴	باغ مسکونی	۱۴	۹۲۹۴۹/۰۴	۳۷/۱۲	۴۷/۶۵
۵	زمین خاکی	۱۸	۱۴۶۷۲/۴۲	۵/۸۵	۷/۷۵۳
۶	فضای سبز	۲	۴۱۰۱/۷۷	۱/۶۵	۲/۱

۷	مسکونی - تجاری	۱۲	۲۰۷۵/۲۷	۰/۸۴	۱/۰۷
۸	مسکونی - تعمیر گاه	۶	۱۳۰۱/۷۷	۰/۵۳	۰/۷۷
۹	آموزشی	۱	۱۰۷۵/۳۲	۰/۴۴	۰/۵۵
۱۰	مذهبی	۱	۹۹۴/۹۶	۰/۵	۰/۵۲
۱۱	تعمیرگاه ماشین	۳	۸۳۰/۹۸	۰/۳۴	۰/۴۴
۱۲	مسکونی - کارگاهی	۲	۲۸۸/۴۸	۰/۱۱	۰/۱۵
۱۳	کارگاهی	۱	۸۷/۶۶	۰/۰۳	۰/۰۴
مجموع		۳۵۶	۲۵۰۳۳۸/۳۵	۱۰۰	۱۲۸/۳۰

جدول ۳: کاربری اراضی اسلام آباد جنوبی

ردیف	کاربری	تعداد	مساحت (متر مربع)	درصد
۱	فضای سبز	۹	۴۹۴۶۹,۴۶	۲۷,۸۵
۲	باغ	۹	۴۶۸۰۹,۱۸	۲۱,۹۲
۳	زمین بایر	۳۰	۳۳۳۱۰,۲۴	۱۵,۶۰
۴	اراضی خاکی	۹	۳۰۷۵۵,۵۳	۱۴,۴۰
۵	مسکونی	۲۳۹	۲۹۹۳۵,۳۲	۱۴,۰۲
۶	تفریحی	۱	۱۱۶۳۱,۴۴	۵,۴۵
۷	مسکونی - تجاری	۷	۹۶۱,۶۸	۰,۴۵
۸	حمل و نقل و انبار	۱	۴۵۳,۸۴	۰,۲۱
۹	مذهبی	۱	۱۷۳,۲۳	۰,۰۸
مجموع		۳۰۶	۲۱۳۴۹۹,۹۳	۱۰۰

مأخذ: (شهرداری منطقه ۲ و یافته‌های نگارندگان)

نوع استفاده از محیط کالبدی و فیزیکی شهرها و نحوه، نوع و میزان کاربری‌ها می‌تواند در ایجاد زمینه‌ها و شرایط ارتکاب بزه مؤثر باشد و از طرفی برخی خصیصه‌های مکانی مانع و عامل بازدارنده بزهکاری می‌باشند. مشخصات نوع و ترکیب کاربری‌های محله اسکان غیررسمی اسلام آباد (محلات شمالی و جنوبی) در جدول‌های شماره ۲ و ۳ آورده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد ۲۹,۴۵ درصد از مساحت محله اسلام آباد را فضاهای مسکونی تشکیل می‌دهد. در واقع آنچه در خصوص نوع و میزان تخصیص کاربری‌های اراضی شهری در محله اسلام آباد حائز اهمیت است، این که در این محدوده کاربری‌های مسکونی و باغ و زمین‌های بایر بسیار بالا و بالاتر از متوسط آن در منطقه دو شهرداری تهران است و در نقطه مقابل برخی دیگر از کاربری‌های شهری در این محله یا وجود ندارد و یا با کمبود شدید مواجه است و با سرانه مورد نیاز شهروندان ساکن در این منطقه فاصله بسیار دارد. آنچه باعث عدم تعادل و توازن کالبدی در این محدوده شده است، این که تنها ۳/۶۹ درصد کاربری‌های این محله به خصوص در اسلام آباد شمالی شامل کاربری آموزشی ۰/۵ درصد، کاربری مذهبی ۰/۵۱ است، این در حالی است که کاربری آموزشی در منطقه دو شهرداری تهران ۴/۲ درصد مساحت شهر را در بر گرفته است. بالا بودن تراکم نسبی جمعیت در محله اسلام آباد بیانگر نیاز مردم ساکن این منطقه به فضاهای آموزشی بیشتر است. از سوی دیگر از کل مساحت محله اسلام آباد تنها ۵/۴۵ درصد به کاربری تفریحی اختصاص دارد که کمبود شدید آن‌ها در محله اسلام آباد به خصوص در اسلام آباد شمالی به چشم می‌خورد. نکته مهم‌تر در رابطه با نوع و میزان تخصیص کاربری‌های اراضی در محله اسلام آباد فقدان برخی کاربری‌های ضروری است، به گونه‌ای که برخی از کاربری‌های شهری مرتبط با گذران اوقات فراغت از جمله کاربری فرهنگی در این محدوده وجود ندارد. یکی از کاربری‌های بسیار مهم در سطح

شهرها که در سلامت و ساماندهی محلات شهری حائز اهمیت بسیار است، کاربری انتظامی است. یکی از دلایل بالابودن نرخ برخی از جرایم در سطح شهرها عدم نظارت کامل و دخالت پلیس و حضور به موقع آنهاست. نبود یا ضعیف بودن حضور نهادهایی چون پلیس منجر به ناامنی و ترس و دلهره مردم و تقویت و جسارت بزهکاران می‌شود. از این رو بررسی‌ها نشان می‌دهد عدم حضور نیروهای انتظامی و گشت‌های مراقبت در مناطق مختلف شهر، یک عامل بسیار مهم در بروز جرایم مختلف بوده است. مجرمین با اطمینان از عدم حضور و گشت‌زنی نیروهای پلیس راحت‌تر اقدام به عمل مجرمانه خود می‌نمایند و اغلب مکان‌هایی را که دور از دسترس نیروهای انتظامی است جهت اعمال خلاف خود انتخاب می‌کنند. احتمال دیده‌شدن مجرمین در حین ارتکاب جرم چه از طرف مردم و چه از طرف نیروهای انتظامی مانع بروز جرایم آنهاست. به نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در بالابودن نرخ جرایم در محدوده اسلام آباد نبود مراکز انتظامی در این محدوده از شهر است. همان‌گونه که پیداست هیچ مرکز انتظامی در محله اسلام آباد وجود ندارد و درصد این کاربری در منطقه صفر است. نبود مراکز انتظامی در این محدوده موجب شده است تا حضور انتظامی در این محدوده از شهر کم‌رنگ باشد و امکان کنترل مناسب انتظامی در این محدوده به حداقل برسد و به تبع آن با کاهش کنترل انتظامی، فرصت‌های بزهکاری را برای مجرمین افزایش یابد، به گونه‌ای که آنها بهتر و آسان‌تر بتوانند اعمال مجرمانه خود را انجام داده و به راحتی خود را مخفی نمایند. میزان جرایم ارتكابی در هر یک از کاربری‌های محدوده اسلام آباد در مقایسه با منطقه ۲ شهرداری تهران در جدول شماره ۴ آورده شده است. همان‌گونه که از این جدول پیداست، بیشترین جرایم ارتكابی منطقه اسلام آباد در محدوده کاربری‌های مسکونی رخ داده است. ۲۰۷ مورد برابر با ۶۲ درصد جرایم اسلام آباد در فضاهای مسکونی این منطقه رخ داده است. در صورتی

که میزان جرایم ارتكابی در منطقه دو شهرداری تهران که در محدوده کاربری های مسکونی به ثبت رسیده است، ۱۸۳۸ مورد برابر با ۴۸/۷۵ درصد کل جرایم است. از سوی دیگر ۶۷ مورد جرم برابر با ۲۰/۲۵ درصد جرایم محله اسلام آباد نیز در کاربری مسکونی مختلط اتفاق افتاده است. این میزان در منطقه دو ۴۶۲ مورد برابر با ۱۲/۲۵ درصد کل جرایم است، بنابراین در مجموع ۸۲/۲۵ درصد جرایم ارتكابی در محله اسلام آباد در فضاهای مسکونی و مسکونی مختلط رخ داده است که این میزان در مقایسه با جرایم منطقه دو که ۶۱ درصد آنها در کاربری های مسکونی و مسکونی مختلط اتفاق افتاده است، ۲۱/۲۵ درصد بیشتر است. بنابراین کاربری مسکونی در محله اسلام آباد از نظر وقوع جرایم از اهمیت فراوانی برخوردار است.

جدول ۴: فراوانی و درصد وقوع جرایم در کاربری های مختلف اسلام آباد

نوع کاربری	میزان جرایم ارتكابی در منطقه اسلام آباد	درصد تعداد	درصد از کل جرایم منطقه دو
مسکونی	۲۰۷	۶۲	۱۰/۸۲
مسکونی مختلط	۶۷	۲۰/۲۵	۱۴/۰۶
تجاری	۳۰	۸/۷۳	۹/۲۴
زمین بایر	۱۸	۴/۳۶	۸/۹۱
فضای سبز	۶	۱/۸۷	۱/۶۸
درمانی	۳	۱/۲۴	۱۵/۳۸
آموزش متوسطه	۱	۰/۳۱	۱/۸۸
آموزش راهنمایی	۱	۰/۳۱	۶/۲۵
مذهبی	۱	۰/۳۱	۱۰

تاسیسات شهری	۱	۰/۳۱	۱۴/۲۸
ورزشی	۱	۰/۳۱	۶/۲۵
مسکونی ویژه	۰	۰/۰	۰/۰
آموزش عالی	۰	۰/۰	۰/۰
آموزش ابتدایی	۰	۰/۰	۰/۰
آموزش متفرقه	۰	۰/۰	۰/۰
اداری	۰	۰/۰	۰/۰
بهداشتی	۰	۰/۰	۰/۰
حمل و نقل و انبارها	۰	۰/۰	۰/۰
در حال ساخت	۰	۰/۰	۰/۰
مخروبه	۰	۰/۰	۰/۰
کارگاه و صنعتی	۰	۰/۰	۰/۰
مجموع	۳۳۶	۱۰۰	۸/۵۱

ماخذ: نگارندگان)

میزان وقوع جرایم مختلف محله اسلام آباد در کاربری تجاری با فراوانی ۳۰ مورد جرم برابر با ۸/۷۳ درصد است، این در حالی است میزان وقوع جرایم مختلف منطقه دو شهرداری تهران در کاربری تجاری با فراوانی ۳۰۳ مورد برابر با ۸/۰۴ درصد است. بنابراین میزان وقوع جرم در کاربری تجاری در محله اسکان غیررسمی اسلام آباد در مقایسه با منطقه دو شهرداری حدود یک درصد بیشتر است. بررسی جرایم ارتكابی در محله اسکان غیررسمی اسلام آباد نشان می‌دهد ۱۴ مورد جرم برابر با ۴/۳۶ درصد کل

جرایم محله مورد پژوهش در سطح زمین خالی رخ داده است. این درحالی است که ۱۵۷ مورد برابر با ۴/۱۷ درصد جرایم منطقه دو در زمین بایر اتفاق افتاده است. در نتیجه میزان وقوع جرم در زمین خالی در محله اسکان غیررسمی اسلام آباد در مقایسه با منطقه دو حدود یک درصد بیشتر است. سهم بالای کاربری مسکونی در محله اسلام آباد و کمبود و نبود برخی کاربری‌های مورد نیاز شهروندان تأثیر غیرقابل انکاری در افزایش سطح رفاه عمومی و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی در این منطقه از شهر داشته است.

نتیجه‌گیری

تحلیل جغرافیایی جرایم در حوزه‌های شهری از گرایش‌های نوین در برنامه‌ریزی شهری است که درصدد است تا با شناسایی مسائل و مشکلات با تکیه بر ابزار و فناوری‌های نوین و جدید شهرسازی برای مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی و پیشگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه، محیط‌های شهری را امن و سالم سازد. براساس نظریه‌های مکتب شیکاگو تراکم زیاد جمعیت، مهاجرت زیاد، بافت قدیمی و فرسوده و سطح بالای تحرک جمعیت باعث افزایش میزان جرم و جنایت می‌شود. بررسی نوع و ترکیب کاربری اراضی محله اسلام آباد نشان می‌دهد، بیشترین درصد مساحت محله اسلام آباد به کاربری باغ و زمین‌های بایر و مسکونی اختصاص دارد (با تراکم جمعیتی حدود ۴ نفر در هر واحد مسکونی)، به گونه‌ای که میزان کاربری‌های مسکونی و مسکونی مختلط در محله اسلام آباد در مقایسه با کل منطقه دو حدود سه برابر بیشتر است که خود نشان از نوعی عدم تعادل و توازن در تخصیص کاربری مسکونی در این محدوده دارد. همین امر باعث شده است تا تراکم جمعیت در این محدوده به میزان قابل توجهی فشرده و پرازدحام و بسیار بالاتر از سایر محلات منطقه دو شهرداری باشد و همین امر باعث شده بیشترین جرایم ارتكابی محله اسلام آباد در محدوده

کاربری‌های زمین‌های بایر و مسکونی رخ دهد. آنچه در خصوص نوع و میزان تخصیص کاربری‌های اراضی شهری در محله حائز اهمیت است این که در این محدوده، کاربری‌های مسکونی و مسکونی مختلط بسیار بالا و بالاتر از متوسط آن در منطقه دو شهرداری است و این در حالی است که این محله فاقد سایر کاربری‌های خدماتی ضروری مورد نیاز این جمعیت از جمله کاربری فرهنگی، ورزشی و انتظامی می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد این محله از نظر کاربری‌های گذران اوقات فراغت و تفریحی با کمبود شدید مواجه است. وجود این کاربری‌ها تأثیر فراوانی در پر کردن اوقات فراغت جمعیت ساکن در این محدوده دارد و می‌تواند در پیشگیری و کاهش جرم تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در بالا بودن نرخ جرایم در محدوده مورد مطالعه، نبود کاربری انتظامی است. نبود مراکز انتظامی در این محدوده سبب شده است تا حضور مأمورین انتظامی در این محدوده از شهر کم‌رنگ باشد و امکان کنترل انتظامی در این محدوده به حداقل برسد. به تبع آن با کاهش کنترل انتظامی فرصت‌های بزهکاری برای مجرمین افزایش می‌یابد. از اینرو می‌توان نتیجه گرفت که نوع و نحوه استفاده از اراضی شهری می‌تواند در ایجاد زمینه‌ها و شرایط بزهکاری باشد. بنابراین با در نظر گرفتن سهم بالای بزهکاری در مجاورت کاربری مسکونی و تأثیر این کاربری در افزایش میزان جرایم مورد بررسی می‌توان به جواب سوال که تأثیر کاربری اراضی (مسکونی) در توزیع جغرافیایی و میزان جرایم و شکل‌گیری الگوی بزهکاری تأثیر داشته‌اند مورد تأیید می‌گردد.

پیشنهادها

- ساماندهی و بهسازی محدوده از بافت فرسوده و کوچه‌های جرم‌خیز و نورپردازی مناسب و با کیفیت معابر و کوچه‌ها؛
- مکان‌یابی مناسب مرکز نیروی انتظامی در محله با توجه به شرایط این محله؛

- فراهم کردن شرایط سرزندگی و آسایش محله از طریق اولویت بخشی به توسعه اجتماعی محله و همچنین ایجاد مکان تفریحی، ورزشی، در محله؛
- تعیین مالکیت قطعات بلااستفاده با اتخاذ سیاست های مالیاتی و یا تشویقی در خصوص مراقبت از فضاهای بدون صاحب یا از فضاهای با مراقبت کمتر و تغییر کاربری آنها در صورت نیاز.

منابع

- آک، جان ای (۱۳۸۸). تهیه نقشه برای تحلیل بزهکاری شناسایی کانون‌های جرم‌خیز. ترجمه محسن کلاتری و مریم شکوهی، چاپ اول، زنجان، نشر آذر کلک.
- امامی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۲). نقش کاربری زمین در پایداری محیط زیست شهری؛ مورد مطالعه محله جلفا اصفهان. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- تقوایی، علی اکبر؛ مجتبی، رفیعان؛ علی، رضوان (۱۳۹۰). تحلیل رابطه بین مؤلفه‌های کاربری زمین با کاهش جرایم و ناامنی شهری. منطقه ۱۷ شهرداری تهران. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷، صص ۳۹-۲۰.
- حسینی، سیدعلی؛ رضا، ویسی؛ سجاد، احمدی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر کاربری اراضی شهری در وقوع جرایم مواد مخدر منطقه ۲ شهرداری تهران. فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال هشتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۴۶-۱۲۷.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی شهرهای جدید. انتشارات سمت، چاپ هشتم.

- شماعی، علی؛ علی، موحد؛ رضا، ویسی (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل فضایی موادمخدر در کلانشهر تهران مطالعه موردی منطقه ۲ شهرداری تهران. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵ شماره ۲، صص ۲۷۲-۲۴۳.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵). انسان‌شناسی شهری. تهران، نشر نی.
- قصری، محمد؛ کلانتری، محسن؛ جباری، کاظم؛ قزلباش، سمیه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری (مطالعه موردی: جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران). فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۷، شماره ۳ (پیاپی ۲۳)، صص ۲۰۲-۱۷۴.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- کلانتری، محسن؛ سمیه، قزلباش؛ بامشاد، یغمایی (۱۳۸۹). بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز شهر زنجان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، صص ۱۶۰-۱۴۲.
- مشکینی، ابوالفضل کرامت‌اله، زیاری؛ محسن، کلانتری؛ فریاد، پرهیز (۱۳۹۲). تحلیل فضایی کالبدی ناهنجاری‌های اجتماعی در مناطق اسکان غیررسمی مورد: منطقه، اسکان غیررسمی اسلام آباد در شهر زنجان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴، صص ۲۰-۱.
- مهندسین مشاور سراوند (۱۳۸۲) طرح بهسازی و نوسازی اسلام‌آباد شمالی و جنوبی. شهرداری منطقه ۲ تهران.

- نصیری، معصومه؛ اعظمی، هادی (۱۳۸۵). نابرابریهای شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی شهر تهران. رویکردی در جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول، صص ۵۹-۴۰.

- Akers, R.L., Christen, S.S. (2004) Criminological Theories, Mc Cord, E. S., Ratcliffe, J.H., (2009) Intensity Value Analysis and the Criminogenic Effects of Land Use Features on Local Crime Patterns, Crime Patterns and Analysis Vol.2, No.1, P.17: <http://www.jratcliffe.net/papers/McCordRatcliffe>.
- Mc Cord, E. S., Ratcliffe, J.H. (2009), Intensity Value Analysis and the Criminogenic Effects of Land Use Features on Local Crime Patterns, Crime Patterns and Analysis Vol.2, No.1, P.17: <http://www.jratcliffe.net/papers/McCordRatcliffe>.
- Ratcliff, j. H (2004) The Hot spots Matrix: A framework for the spatio tempotal Targeting of crime reduction. *Police Practice and Research*. Vol, 5, No 1, pp. 5-23.
- Sherman, L. W. and Gartin, P. R. and Buerger, M. E. (1989) Hot Spots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place, *Criminology*, Vol. 27, No. 1, PP. 27-55.